

# حج در نهج البلاغه

(مجموعه الهیاتی موضوعات حج در نهج البلاغه)



رضا کریمی واقف

## مقدمه

حمد و سپاس خداوند منان .! و درود و صلوات بر محمد و آتش .  
کعبه به عنوان مرکز توحید، قبله جهانیان، و حج به عنوان بی نظیرترین تجلی  
عبادت و بندگی و باشکوهترین تجمع الهی، و امام علی علیه السلام به عنوان برترین  
الگوی انسانی کامل و نهج البلاغه به منزله بالاترین کلام انسانی، همواره به هم  
پیوندی قرین و ناگسستنی دارند.  
علی، نه تنها مولود کعبه، که موعود کعبه است. ادای حق بیت الله فریضه است  
و معرفت علی علیه السلام این حق است.  
و حج خانه توحید جز با اتصال به امامت و شناخت ولایت به اتمام  
نمی رسد. سرتاسر مناسک و اعمال حج، رمز و رازی دیگر دارد که آثار و  
ره آورد این عبادت در اسرار شگفت آن نهفته است.  
و علی علیه السلام این برترین انسان، در بالاتری کلام، از کعبه، با فضیلت ترین نقطه  
جهان و از حج، پرشکوهترین عبادت، سخن می راند و در نهج البلاغه  
شریفش که نازله روح اوست، گوشه ای از زلال این فرمان الهی را برای  
تشنگان چشمه معرفت جاری می سازد.  
این مجموعه، فهرستی از کلام بلیغ آن حضرت در باره خانه توحید در  
نهج البلاغه است.

امید آنکه در سال مولا امیر مؤمنان علیه السلام خدمتی باشد در ترویج معارف گهربار ولایت، و نشانی در راه عاشقان خانه دوست و محبان حریم ولایت. این تلاش ناچیز گامی است کوچک در شناسایی مطالب آن کتاب نورانی، درباره کعبه و حج و فهرست‌بندی موضوعی آن. گفتنی است، با توجه به تنوع موضوعات، چه بسا یک فرمان و بیان بلیغ حضرت، تبیین‌کننده چند مطلب و ناگزیر به چندین تکرار باشد. امید آنکه مورد عنایت حضرت حق قرار گیرد.

### ○ آثار حج، رحمت الهی

(خطبه ۱۹۲)

«... جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ»

«خداوند سبحان... حج را سببی برای رحمت خویش قرار داد.»

خطبه‌ها و نامه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه، اشارات بلیغی به آثار معنوی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حج دارند. به فرمایش آن حضرت، در سایه برگزاری این مراسم معنوی، اثرات زیبایی از رحمت الهی، نصیب افراد و جوامع مسلمان می‌گردد.

### ○ آثار حج، وصال بهشت

(خطبه ۱۹۲)

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَوَصَلَةً إِلَى جَنَّتِهِ»

«...خداوند حج را وسیله‌ای برای رسیدن مردم به بهشت قرار داد.»

حج گزاران و کارگزاران حج، با لیبیک به این فرمان الهی، درهای بهشت خدا را به روی خویش می‌گشایند.

### ○ آثار حج، همبستگی دینی

(حکمت ۲۵۲)

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ».

«خداوند حج را برای همبستگی مسلمانان واجب گردانید.»

و نیز حضرت امام هشتم علیه السلام فرمودند: خداوند خانه‌اش را نقطه گردهمایی از شرق



و غرب جهان قرار داد تا مسلمانان همدیگر را بشناسند.<sup>۱</sup>  
تألیف قلوب مسلمین و انس و وحدت میان آنان و نزدیکی و شناخت  
حال همدیگر، از آثار پرشکوه این فریضة الهی است که حضرت امیر علیه السلام بدان اشاره  
فرموده‌اند.

### ○ آثار حج، شست و شوی گناهان

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْتِمَارُهُ... وَيَزْحَصَانِ الذَّنْبِ» (خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت الله الحرام... شستشو دهنده گناهان هستند»

آری، از ره آوردهای ارزشمند حج، آمرزش الهی برای حجاج خانه خداست.

### ○ آثار حج، رونق اقتصادی

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ...» (خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره خانه خدا، نابود کننده فقر هستند»

آثار فراوان اقتصادی حج غیر قابل انکار است. رفع فقر و آبادانی بلاد مسلمین و  
رونق اقتصادی جوامع مسلمان، از دیگر آثار این فریضة الهی است که حضرت بدان  
اشاره دارند.

### ○ آثار حج، آمرزش الهی

«... وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ» (خطبه ۱)

«دعوت شوندهگان حج بیت الله الحرام... به سوی وعدهگاه آمرزش الهی

می‌شتابند»

آمرزش و غفران الهی، مهمترین آثار و ره‌آوردی است که هر مسافر خانه خدا  
می‌تواند برای خود به ارمغان آورد. ارمغان از جایی که حاجی میهمان است و پذیرایی  
میهمان با غفران الهی صورت می‌گیرد. و میهمان عارف در این خوان ضیافت، آمرزش  
الهی را می‌خواهد و در طلبش شتاب فراوان دارد.



سعدی در گلستان گوید:

درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه همی مالید و می گفت: یا غفور یا رحیم، تو دانی  
که از ظلوم جهول چه آید:

عذر تقصیر خدمت آوردم  
عاصیان از گناه توبه کنند  
که ندارم به طاعت استظهار  
عارفان از عبادت استغفار

عابدان جزای طاعت خواهند و بازرگانان بهای بضاعت. من بنده امید آورده‌ام نه  
طاعت و به دریوزه آمده‌ام نه به تجارت، «إصْنَعْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ».

بر در کعبه سائلی دیدم  
می‌نگویم که طاعتم بپذیر  
که همی گفت و می‌گرتنی خوش  
قلم عفو بر گناهم کش

باب دوم گلستان

### ○ آثار حج، پاکسازی و خلوص

«... وَتَمْحِصاً بَلِيغاً...»

(خطبه ۱۹۲)

«و خداوند سبحان حج را.. برای پاکسازی و خالص شدن قرار داد.»

حج صحنه آزمایش است که به خودسازی مسلمان و پاکسازی درونی و خالص  
شدن اعمال و نیات او می‌انجامد.

کعبه راگر هر دمی عزّی فزود  
آن ز اخلاصات ابراهیم بود

(مولوی)

### ○ آثار حج، سود معنوی

«... يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَشَجِرِ عِبَادَتِهِ».

(خطبه ۱)

دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در این تجارتگاه عبادت الهی  
به دست می‌آورند.

بندگی خداوند سود سرشار دارد. هر که به خداوند نزدیکتر شد، بی‌نیازتر شد. انسان



حجگزار به خداوند تقرب بیشتری می جوید و در سایه این عبادت خالص به همه چیز می رسد.

### ○ آثار بی توجهی و ترک حج

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ، فَإِنَّهُ إِنْ تُرِكَ لَمْ تُنَاطَرُوا». (نامه ۴۷)

خدا را، خدا را، درباره خانه پروردگارتان، تا هستید آن را خالی نگذارید؛ زیرا اگر کعبه خلوت شود، مهلت داده نمی شوید.»

نامه ۴۷ نهج البلاغه وصیت نامه بسیار مهم حضرت است که ایشان پس از ضربت خوردن از شقی ترین مردم، در ماه رمضان سال ۴۰ هـ. در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیان فرمودند. در جمله فوق که قسمتی از وصیت نامه و سفارش به خانه خدا و حج می باشد، امام علیه السلام از آثار مهم ترک حج و تضعیف این مراسم را، از میان رفتن پشتیبان و غلبه دشمن درونی و بیرونی می داند.

### ○ آثار عمره

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْتِمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَيَزْخَصَانِ الدُّنْبَ». (خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت الله الحرام، نابود کننده فقر و شستشو دهنده گناهان هستند.»

در این بیان، حضرت، عمره را هم مانند حج، دارای تأثیر بسزا در رونق اقتصادی مسلمین و نابودی فقر و تأمین حوائج مادی و دنیوی اجتماعات اسلامی می داند در حالی که بلافاصله تأثیر عمیق معنوی و اخروی آن نیز مدنظر آن امام بزرگوار قرار می گیرد که آمرزش گناهان معتمرین و عمره گزاران این بیت شریف است.

### ○ آموزش حج

«... فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقَتِ الْمُسْتَقْتِي، وَعَلَّمَ الْجَاهِلَ، وَذَكَرَ الْعَالِمَ». (نامه ۶۷)

«پس برای مردم حج را بپا دار و سپس فتاوی دینی را به طالبان آن ابلاغ نما و نا آگاهان را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو بپرداز.»

براستی حاجیانی که پایه این عرصه عظیم عبادی می‌گذارند. نیازمند آموزش منسجم از مناسک و احکام حج، اسرار حج، اخلاق حج، و تعالیم دیگر مؤثر در بهره‌گیری هرچه بهتر از این موقعیت استثنایی هستند و حضرت در این نامه لزوم توجه به این امر مهم را به فرماندار مکه به عنوان سرپرست حجّاج و امیرالحاج منصوب امام، سفارش می‌کنند.

### آموزش گناهان در حج

امام صادق علیه السلام فرمود:

«الْحُجَّاجُ يَصْدُرُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: ... صِنْفٌ يَخْرُجُ مِنْ ذَنْبِهِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ».

«حجاج در سه گروه باز می‌گردند... گروهی از آنان در حالی که گناهان آنان بخشیده شده، مانند روزی که از مادر زاده شده‌اند»<sup>۲</sup>

### ○ اجاره و حکم آن در حرم

«... وَمُرُّ أَهْلِ مَكَّةَ إِلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنٍ أَجْرًا».

«وبه مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زائری در ایام حج، اجرت و مزد مسکن نگیرند».

از موارد احکام فقهی مربوط به حرم این است که بعضی اجاره دادن خانه‌های حرم به زائران را ممنوع می‌دانند و بعضی دیگر آن را مکروه می‌شمارند. و سر آن این است که در قرآن می‌فرماید:

«...سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ...»؛ «مقیم و مسافر در آنجا یکسانند».

دستور اصلی نیز همین بود که ساکنان مکه در خانه‌های خود را باز بگذارند تا زائران با سکونت در آنها، مناسک حج خود را با رفاه و آرامش بیشتری انجام دهند و برگردند.

### ○ احرام

«قَدْ نَبَذُوا السَّرَابِيلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ».

(خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله) لباس‌های خود را که نشانهٔ شخصیت هر فرد است، (جهت احرام) در آورند و پشت سر اندازند.»

احرام مرحله‌ای از اعمال حج و عمره است که فرد با کندن لباس‌های ظاهری و ندای لَبَّيْكَ، به فرمانِ دعوت الهی، پاسخ می‌گوید و در جمع دیگر حجاج، به خدا می‌پیوندد و محرمات احرام را بر خود می‌پذیرد و وارد اعمال حج می‌شود.

چون همی خواستی گرفتی احرام  
چه تبت کردی اندر آن تحریم  
جمله بر خود حرام کرده بدی  
هر چه مادون کردگار قدیم  
ناصر خسرو

### ○ احکام، وجوب حج

«... وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ.»  
(خطبه ۱)  
«و خداوند حج خانهٔ محترم خود را بر شما واجب گردانید.»

و قرآن می‌فرماید: «... وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»؛ «بر مردمانی که توانایی دارند، حج خانه برای خدا واجب گشت و هر کس کفر ورزد، بداند که خداوند از عالمیان بی‌نیاز است.»<sup>۳</sup>

### ○ احکام حج، وقت کوچ از عرفات

«... وَصَلُّوا بِهِمُ الْمَغْرَبِ حِينَ... وَيَدْفَعُ الْحَاجُّ إِلَى مَنَى»  
(نامهٔ ۵۲)  
«و نماز مغرب را با مردم زمانی بخوان که ... حاجی از عرفات به منا کوچ می‌کند.»

در این نامه که حضرت به فرمانداران شهرها می‌نویسند، فرامینی دارند در نحوهٔ نمازشان با مردم که در آن، وقت نمازها و نماز مغرب را تعلیم می‌دهند و در وقت نماز مغرب، اشاره‌ای دارند به زمان کوچ حجاج از عرفات به مشعر و مناهکه هنگام نماز مغرب است.

## احکام قربانی

«وَمِنْ تَمَامِ الْأَضْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ أُذُنِهَا، وَسَلَامَةٌ عَيْنِهَا».

(خطبه ۵۳)

«وكمال قربانی در این است که گوش و چشم آن سالم باشد».

حیوانی که در حج برای قربانی انتخاب می‌گردد، احکام و شرایطی دارد که حضرت در این خطبه کوتاه، بیان مختصری در مورد سالم بودن آن آورده‌اند.

## ادای حق کعبه

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... فَرَضَ حَقَّهُ».

(خطبه ۱)

«خداوند سبحان حج خانه‌اش را بر شما فرض نمود و ادای حق کعبه را واجب

گردانید».

## ارزش کعبه

«... بِأَحْجَارٍ لَا تَضُرُّ وَلَا تَنْفَعُ، وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ، فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ

(خطبه ۱۹۲)

الْحَرَامِ...»

«سنگ‌هایی است که نه زیان می‌رسانند و نه نفعی دارند، نه می‌بینند و نه

می‌شنوند. پس خداوند آنها را خانه محترم خویش قرار داد».

در این خطبه حضرت ارزش خانه کعبه را به سنگ‌های آن نمی‌دانند. سنگ‌های معمولی به تنهایی بی‌اثرند. بلکه به فرمایش آن بزرگوار، ارزش کعبه به آن است که خداوند این سنگ‌ها را خانه مورد احترام خود و وسیله‌ای برای امتحان بندگان خویش قرار داد.

فضل آن مسجد ز خاک و سنگ نیست      لیک در بناس حرص و جنگ نیست

(محمد طوسی)

## اشتیاق حج و دیدار کعبه

«... حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ، ... يَرِدُونَهُ وُرُودَ الْأَنْعَامِ».

(خطبه ۱)

«خانه محترم خداوند... که مردم چونان تشنگان به سوی آن روی می‌آورند».





حضرت شیفتگان حرم الهی و مشتاقان خانه خدا را به تشنگانی توصیف کرده‌اند که مانند چهار پایان، بی تکلف به سوی آب هجوم می‌آورند.

### اعتکاف رسول الله در غار حِرا

«وَلَقَدْ كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ] يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِزَاءِ فَارَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي». (خطبه ۱۹۲)  
 «همانا پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار حِرا می‌گذراند، تنها من او را مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمی‌دید.»

پیامبر ﷺ در سالهای قبل از بعثت، خلوتگاهی در کوه حِرا جهت عبادت برگزیدند. آیات نخست قرآن در این مکان بر پیامبر ﷺ نازل گشت.

### اقامه حج

«... فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ»  
 «سپس برای مردم حج را بیای دار.»

قرآن می‌فرماید: ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْيُبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَامًا لِلنَّاسِ...﴾؛ خداوند کعبه را مایه قیام مردم قرار داد.<sup>۴</sup>  
 در این نامه نیز که حضرت در فرمانی به قثم بن عباس، فرماندار مکه می‌نویسند، لزوم اقامه و برپایی آن را برای مردم تأکید می‌کنند.

### امتحان و آزمایش الهی در حج

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لُدُنِ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ؛ بِأَحْجَارٍ ... فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامِ». (خطبه ۱۹۲)  
 «همانا خداوند سبحان، انسان‌های پیشین، از آدم ﷺ تا آیندگان این جهان را به وسیله سنگ‌هایی، که آن را خانه محترم خود قرار داد، آزمایش نمود.»

خداوند ادعای ایمان بندگان را می‌آزماید و در مسیر همین آزمایش، کعبه را وسیله‌ای برای امتحان مردم جهان قرار داد، امتحانی از اولین تا آخرین انسان.

## امنیت حرم

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَيَأْتِيهِمْ إِلَيْهِ وَلَهُ الْحَمَامِ» (خطبه ۱)  
 «خانه محترم خداوند... که مردم همانند کبوتران به آن پناه می آورند.»

در حرم، کشتن حیوانات وحشی و شکار آنها حرام است. در حرم جنگ و خونریزی حرام است. کندن درختان و گیاهان حرم جایز نیست. حمل سلاح در آن ممنوع است. دست زدن به اشیای گم شده در حرم منع شده است. مجرمان پناهنده به حرم، نباید در آنجا مجازات شوند.

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا﴾

«و هنگامی که ابراهیم علیه السلام دعا کرد که پروردگارا! این سرزمین را شهر امن قرار ده.»<sup>۵</sup>

کعبه امن و امانی لا جرم در مرتبت بارگاه و مجلس تو کعبه و بطحا شدند  
 (ادیب صابر)

## امنیت حرم

«جَعَلَهُ (سبحانه و تعالی)... وَلِلْعَائِدِينَ حَرَمًا» (خطبه ۱)  
 «خداوند سبحان... کعبه را... خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد.»

حق گفت ایمن است هر آن کوبه حج رسید ای چرخ حق گزار ز آفات ایمنی  
 (مولوی)

## اموال کعبه

«... وَكَانَ حَلْيُ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَىٰ حَالِهِ، ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (حکمت ۲۷۰)

«و اما زیور آلات کعبه از اموالی بودند که خداوند آن را به حال خود گذاشت... تو نیز آن را به حال خود واگذار (و مصرف دیگر مکن) همانگونه که خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را به حال خود واگذاشتند.»



حکم حضرت در آن هنگام - که خلیفه دوم تصمیم داشت از زیوارهای کعبه برای مصارف دیگر استفاده کند - عدم جواز این کار بود. و استناد حضرت به عدم حکم خدا و عدم اقدام پیامبر ﷺ قرار گرفت.

و او نیز گفت:

«لَوْلَاكَ لَا فَتَضَحْنَا. (و ترك الحلی بحاله)».

«یا علی اگر تو نبودی، رسوا می شدیم (و متعرض زیور آلات کعبه نشد)».

### امیر الحاج

رجوع شود به:

○ وظایف امیر الحاج.

حضرت در نامه ۶۷، به قثم بن عباس فرماندار مکه که منصوب خود در آن شهر مقدس بود، فرمان برپایی حج را صادر نمود و وظایف امیر الحاج را به وی تذکر داد.

### انبیای الهی در حج

«وَ اخْتَارَ ... وَ وَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ».

«دعوت شوندهگان به خانه محترم خداوند کسانی هستند که... پای خود را بر جایگاه انبیای الهی می گذارند.»

اشاره حضرت در این خطبه به آن است که انبیای الهی در خانه کعبه حضور یافته و حج بیت الله الحرام را انجام داده اند. در ضمن روایات بسیاری در تأیید انجام حج توسط حضرت آدم علیه السلام تا حضرت خاتم صلی الله علیه و آله نقل شده است.

### اهمیت کعبه

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى لِإِسْلَامِ عِلْمًا».

«خداوند سبحان کعبه را برای اسلام نشانه گویا قرار داد.»

(خطبه ۱)

کعبه بسان پرچم و درفشی با شکوه بر فراز بنای رفیع اسلام همواره می‌بایست برافراشته باشد.

### اهمیت کعبه و حج

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلَوْهُ مَا يَقِيمُ...» (نامه ۴۷)

«خدا را، خدا را، شما را وصیت می‌کنم درباره‌ی خانه‌ی خدا که تا هستید آن را خالی مگذارید.»

در بیان اهمیت بسیار بالای حج در اسلام، همین بس که حضرت این وصیت را در بستر شهادت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌کنند و در سفارش آن با دو بار ذکر جلالت «الله»، تأکید می‌نمایند.

### اهل و عیال مسافر

«اللَّهُمَّ... وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ» (خطبه ۴۶)

«خداوند! تو در وطن نسبت به باز ماندگان (و اهل و عیال) ما (مسافران) سرپرست و نگهبانی.»

جمله فوق قسمتی از دعای سفر است که آن حضرت بیان فرموده‌اند و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «الحاج... محفوظ في أهله وماله»؛ «اهل و عیال و مال و منال مسافر خانه‌ی خدا محفوظ و در امان است.»<sup>۶</sup>

### ایام الله در حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ، وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ» (نامه ۶۷)

«پس مناسک حج را برای مردم بپادار و متذکر ایام الله برای آنها باش.»

حضرت پس از لزوم بر پایی حج که در دستورشان به فرماندار مکه به عنوان امیرالحاج می‌نویسند، لزوم یاد ایام الله را نیز در ادامه به وی متذکر می‌شوند.



## بازار حج

«يُحْرَزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَنَجَرِ عِبَادَتِهِ» (خطبه ۱)  
 «دعوت شوندگان حج بیت الله الحرام... سوده‌های فراوان در تجارت‌گاه و بازار  
 عبادت الهی به دست می‌آورند.»

## بنای کعبه از زمان آدم ﷺ

«أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ... بِأَحْجَارٍ...  
 فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ...» (خطبه ۱۹۲)  
 «همانا خداوند سبحان آزمایش کرد انسان‌ها را از آدم ﷺ تا... با سنگ‌هایی... که  
 آن را خانه محترم خود قرار داد.»

از این بیان حضرت چنین نتیجه‌ای نیز به دست می‌آید که بنای کعبه در زمان آدم ﷺ نیز برپا بوده است و اقدام حضرت ابراهیم ﷺ صرفاً تجدید بنای این خانه الهی بوده است.

## بنای کعبه از زمان آدم ﷺ

«ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَتَنُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ» (خطبه ۱۹۲)  
 «پس آدم و فرزندان او را فرمان داد که به سوی کعبه بازگردند.»

## بنای ساده کعبه

«وَلَوْ كَانَ الْأَسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا، وَالْأَحْجَارُ الْمَرْفُوعُ بِهَا؛ مِنْ زُمْرَةِ حَضَرَاءَ...  
 لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ» (خطبه ۱۹۲)  
 «و اگر پایه‌ها و بنیان کعبه و سنگ‌هایی که در ساختمان آن به کار رفته، از  
 زمرّد سبز و یاقوت سرخ و دارای نور و روشنایی بود، دل‌ها دیرتر به شک و  
 تردید می‌رسیدند.»

حضرت در این بیان فرموده است: خداوند بنای کعبه را ساده قرار داد تا انسانها را با

آن بهتر بیازماید و امکان ایجاد زمینه‌های شک و تردید در این آزمایش الهی برای مشکل‌تر شدن این آزمون است؛ چرا که وسیله امتحان می‌بایست با توجه به ارزش و اهمیت نتیجه آن، صورتی مشکل‌تر داشته باشد.

### بهشت پاداش حج

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَصَلَّةً إِلَيَّ جَنَّتِهِ» (خطبه ۱۹۲)

«خداوند حج را وسیله‌ای برای... رسیدن بندگان به بهشت خویش قرار داد.»

بهشت پاداشی است که خداوند برای آنان که از آزمون بزرگ حج نیز، امتیاز قبولی را به دست آورند، مقرر فرموده است.

### بهترین وسیله تقرب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... حَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْتِمَارُهُ» (خطبه ۱۱۰)

«همانا بهترین چیزی که انسان‌ها می‌توانند به وسیله آن به خداوند سبحان نزدیک شوند و متوسل گردند... حج خانه خدا و عمره آن است.»

وسایل تقرب و نزدیکی به خداوند، بسیار است، اما آنچه را حضرت در این خطبه به عنوان بهترین این وسایل بر می‌شمارند، ده چیز است، ایمان، جهاد، اخلاص، نماز، زکات، روزه، حج، صلوة رحم، صدقه، کارهای پسندیده و یکی از این امور همان حج و عمره بیت الله الحرام است.

### بی‌توجهی به زیبایی‌های دنیوی در حج

«...وَيَزْمُلُونَ عَلَيَّ أَقْدَامِهِمْ، شُعْنًا غُبْرًا لَهُ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله... طواف خانه می‌کنند... در حالی که موهایشان آشفته است و بدنهای غبار آلود دارند.»

توصیف حضرت از حجاج شیفته بیت الله در این است که آنان چنان عاشق زیارت

خانه دوست هستند که بی توجه به وضعیت ظاهری، به محض رسیدن از راه دشوار سفر، با همان وضع آشفته، اما درونی زیبا، به دیدار کعبه که نشان از محبوب دارد، می‌شتابند.

### بیگانگان در مراسم حج

رجوع شود به:

○ توطئه بیگانگان در مراسم حج. (نامه ۳۳)

در حالی که بیگانگان و دشمنان اسلام، تأثیرات عمیق حج را در ارتقای دین و دنیای مسلمین می‌بینند و تأثیر شگرف آن را در وحدت و انسجام بلاد اسلامی مشاهده می‌کنند، در مقابل این مراسم وحدت آفرین، بی تفاوت نمی‌نشینند و از توطئه در تضعیف آن مضایقه نمی‌کنند.

### پاداش حج

«وَلَوْ أَرَادَ سُبْحَانَهُ... لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ، عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبِلَاءِ».

(خطبه ۱۹۲)

«اگر خداوند سبحان خانه‌اش را در سرزمینی قرار می‌داد که... همانا پاداش آن به تبع ضعیف شدن آزمایش کمتر می‌شد.»

در این بیان، حضرت به حجاج رنجیده‌ای که برای رسیدن به خانه محبوب، سختی‌های فراوانی را متحمل می‌گردند، نوید می‌دهد که رنج‌های این سفر الهی هر چه بیشتر باشد، پاداش آن نیز به مراتب افزون‌تر خواهد بود.

### پاداش حج، وصال بهشت

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَصَلَةً إِلَى جَنَّتِهِ».

(خطبه ۱۹۲)

«خداوند حج را سببی برای... رسیدن بندگانش به بهشت قرار داد.»

و پیامبر ﷺ فرمود: یک حج مبرور (نیکو)، از دنیا و هر چه در دنیاست بهتر است و

چنین حجی پاداشی جز بهشت ندارد.<sup>۷</sup>

### پاداش حج، غفران الهی

«... وَ يَتَّبِعُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ» (خطبه ۱)

«دعوت شوندهگان بیت الحرام... به سوی وعدگاه آمرزش الهی می‌شتابند.»

آمرزش الهی نیز پاداشی است که خداوند به مسافران کوی خویش وعده داده است و وعدگاه این گذشت و این عفو، خانه خداست.

### پناه بی‌پناهان

«جَعَلَهُ... وَاللَّعَائِذِينَ حَرَمًا» (خطبه ۱)

«خداوند سبحان... کعبه را... خانه امن و امان برای پناهندگان قرار داد.»

کعبه زو تشریف بیت الله یافت گشت ایمن هر که در وی راه یافت

(عطارد)

### پناهگاه انسان‌ها

«يَبْتِئِهِ الْحَرَامِ... يَا لَهْوَنَ إِلَيْهِ وَلَهُ الْحَمَامِ» (خطبه ۱)

«خانه محترم خدا... که انسان‌ها همانند کبوتران به آن پناه می‌برند.»

حضرت تعبیر از «پناه کبوتران»، اوج نیاز پناهنده شدن به ملجأ مطمئن برای انسان و آرام‌بخش بودن این پناه‌گاه ویژه را برای او نشان می‌دهد.

ای چو کعبه، وحوش را همه امن خلق را مقصر و درگهت مأمن

(مسعود سعد سلمان)

### تبلیغات در حج

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْحَقِّ، وَذَكَرْهُمْ يَوْمَ الْيَوْمِ» (نامه ۶۷)





«حج را برای مردم بپا دار و روزهای خدا را به ایشان متذکر باش.»

یادآوری ایام الله، روزهای خدا، روز قیامت، روز موت، نعمت های الهی و روزهای بزرگ پیروزی و موفقیت الهی، تبلیغاتی است که امام در حج به قثم بن عباس فرماندار مکه و امیر الحاج فرمان می دهند؛ تبلیغاتی که در ترغیب مردم به امور خیر می بایست هر سال با شکوهرت تدوین و اجرا گردد.

### تجارت در حج

«يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ» (خطبه ۱)  
 «دعوت شوندگان حج بیت الحرام... سودهای فراوان در تجارتگاه الهی به دست می آورند.»

تجارت حج معامله ای است میان خالق و مخلوق، تجارتگاه حج بازار بندگی میهمانان بیت الرحمان است. حج در این بازار بهایی است برای خرید غفران الهی و بهشت خداوند؛ تجارتی که خسران ندارد.

### توطئه بیگانگان در مراسم حج

«كَتَبَ إِلَيَّ يُعَلِّمُنِي أَنَّهُ وُجِّهَ إِلَى الْمَوْسِمِ أَنَسُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ، الْعُمِّي الْقُلُوبِ» (نامه ۳۳)  
 «به من خبر رسیده است که گروهی از کور دلان و... از اهل شام (مأمورین معاویه) به سوی مکه (برای توطئه) در مراسم حج گسیل شده اند.»

امام خمینی علیه السلام در مراسم حج، ممکن است اشخاصی از قبیل مَلاهای وابسته به خود را وادار کنند که اختلاف میان شیعه و سنی ایجاد کنند و آنقدر به این پدیده شیطانی دامن زنند که بعضی ساده دلان باور کنند و موجب تفرقه و فساد شوند. برادران و خواهران هر دو فرقه باید هشیار باشند و بدانند که این کوردلان جیره خوار با اسم اسلام و قرآن مجید و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله می خواهند اسلام و قرآن و سنت را از بین مسلمین برچینند و یا لا اقل به

انحراف کشانند.<sup>۸</sup>

### تعلیم و تعلّم در حج

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقِمْ الْمُسْتَفْتَى، وَعَلِّمِ الْجَاهِلَ» (نامه ۶۷)

«حج را برای مردم بپا دار و ... آنان که پرسش‌های دینی دارند، با فتواها آشنایشان گردان و ناآگاهان را آموزش ده.»

### تقویت دین با حج

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ» (حکمت ۲۴۴، فیض الاسلام)

«خداوند حج را به عنوان عاملی برای تقویت دین، واجب گردانید.»

حفظ و تقویت دین، ضرورتی انکارناپذیر و بلکه از اوجب واجبات است. تقویت دین طرق بسیار دارد و بسته به زمان و مکان و موقعیت خاص، روش ویژه خود را می‌طلبد، و حج به عنوان یک استراتژی همه ساله، این تأثیر نیرومند را در تقویت دین داشته و مسلمین آگاه می‌بایست بدان توجه جدی بنمایند.

### تواضع در حج

«وَجَعَلَهُ سُبْحَانَهُ عِلْمَةً لِتَوَاضُعِهِمْ لِعَظَمَتِهِ» (خطبه ۱)

«خداوند حج خانه‌اش را علامت تواضع مردم در برابر عظمت خویش قرار داد.»  
حج از جمله مقامات و عباداتی است که فرد مسلمان با شرکت در آن، اوج تواضع و فروتنی خود را در برابر خالق نشان می‌دهد و با اجرای فرامین خداوند، کرنش خویش را در مقابل عظمت باری تعالی به نمایش می‌گذارد.

### تواضع در حج

«حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله الحرام... شانه‌های خود را با خضوع و فروتنی بسیار (در سعی



و طواف) می‌جنبانند.»

در حج، هر کس با هر شخصیت و با هر مقام و منصب دنیوی و هر نوع افتخار قومی و ظاهری، ذلیلانه، تمرین تواضع و فروتنی می‌کند. تواضع در برابر خالق، که فروتنی در برابر مخلوقات را هم به دنبال دارد.

### توجه به نیاز حجاج

«وَمُرُّ أَهْلِ مَكَّةَ أَلَّا يَأْخُذُوا مِنْ سَاكِنٍ أَجْرًا».

(نامه ۶۷)

«و به مردم مکه فرمان ده تا از هیچ زائری در ایام حج اجرت مسکن نگیرند.»

رفع نیاز حجاج و از جمله تأمین مسکن آنان، از مسائل مهمی است که حکومت اسلامی در جهت برپایی هر چه باشکوه‌تر این فریضة الهی می‌بایست مد نظر داشته و بدان همت گمارد. در این نامه حضرت به فرماندار مکه و امیر الحاج منصوب خود، در این زمینه دستور صریح می‌دهند.

### توجه به نیازمندان در حج

«وَلَا تَحْجِبْنِي ذَا حَاجَةٍ عَنْ لِقَائِكَ بِهَا».

(نامه ۶۷)

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان.»

توجه به نیازمندی‌های محرومان را امام به فرماندار مکه می‌نویسد و این اعم از است از نیاز حجاج و نیاز محتاجان و نیاز مسلمانان سایر کشورهای اسلامی.

### توحید در حج

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... وَجَعَلَهُ... وَإِدْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ».

(خطبه ۱)

«خداوند سبحان حج خانه‌اش را نشانه اعتراف به عزت و بزرگی خویش قرار داد.»

تمامی مراسم حج درس توحید و اقرار به وحدانیت و عزت و عظمت خداوند است. حج جدای از تمام آثار و منافع سرشار آن، تمرین یکتاپرستی و شناخت عظمت و

بزرگی حضرت باری تعالی است.

### توسل به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ... حَجُّ الْبَيْتِ وَاعْتِمَارُهُ». (خطبه ۱۱۰)

«بهترین وسیله توسل و تقرب به خداوند سبحان... حج خانه خدا و عمره آن است.»

به فرموده حضرت، توسل به خداوند سبحان اسباب و وسایلی می خواهد (وَأَبْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ) که به ده مورد از بهترین آنها اشاره می فرمایند و حج و عمره، از جمله این وسایل ده گانه است که باعث توسل و تقرب به خداوند باری تعالی می گردند.

### جایگاه انبیای الهی

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَاخْتَارَ... وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ». (خطبه ۱)

«خداوند برگزیدگانی را به حج دعوت نمود که... برجایگاه انبیای الهی قرار گیرند.»

شاید کعبه تنها جایگاهی است که همه انبیای الهی از آدم ع تا خاتم ص در آن حضور یافته و به فرمان الهی حج بیت الله را انجام داده اند.

### جایگاه کعبه در اسلام

«جَعَلَهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لِلْإِسْلَامِ عِلْمًا». (خطبه ۱)

«خداوند سبحان، کعبه را نشانه ای گویا برای اسلام قرار داد.»

جایگاه و ارزش کعبه در اسلام، موقعیت پرچم و درفش هر قدرت و هر مکتبی است. لذا این علم همواره باید بر پا و برافراشته بماند تا نشان از بر پایی و قدرت و شکوه اسلام باشد.

### جهاد ناتوانان

«... وَالْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ». (حکمت ۱۳۶)

«حج جهاد هر ناتوان است.»



علی علیه السلام با این بیان، حج را مرتبه‌ای از جهاد فی سبیل الله قرار می‌دهند که مفهوم انجام حج را پیروزی بر سپاه دشمن در کمین می‌توان شمرد. بیانی که هم اهمیت و ارزش حج را بیان می‌کند و هم افراد ناتوان را از ناامیدی و دوری از مسؤولیت شرکت در جنگ، بر حذر می‌دارد.

### حج آدم

«... ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَلَدَهُ أَنْ يَتُوبُوا أَعْطَاهُمْ نَحْوَهُ». (خطبه ۱۹۲)

«سپس آدم علیه السلام و فرزندان او را فرمان داد که به سوی کعبه بیایند.»

حضرت آدم علیه السلام و فرزندان او نیز به فرمان خداوند به این امتحان الهی تن دادند و به سوی آن روی آوردند، حج گزار شدند و مورد احترام و تبریک فرشتگان قرار گرفتند و در پی آدم علیه السلام سایر پیامبران الهی، این فرمان خداوند را لبیک گفتند.

### حج، اعتراف به عزت خداوند

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... وَجَعَلَهُ ... وَإِدْعَانِهِمْ لِعِزَّتِهِ». (خطبه ۱)

«حج بیت الحرام... که خداوند نشانه اعتراف مردم به عزت و بزرگی خویش قرار داد.»

اذعان و اعتراف به عزت و بزرگی خداوند و کوچکی و ذلت انسان در برابر حضرت باری تعالی، بیان بندگی خالص مخلوق است در برابر خالق و سرتاسر حج، مشق توحید و درس عبودیت مسلمان مؤمن است.

### حج انبیاء علیهم السلام

«بَيْتِهِ الْحَرَامِ ... وَاخْتَارَ ... وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ». (خطبه ۱)

«دعوت شوندگان به حج بیت الحرام... کسانی هستند که... در جایگاه وقوف انبیای الهی وقوف می‌کنند.»

حضرت در این خطبه، فریضه حج را پیروی انبیای الهی شمرده و وقوف آنان را در

این سرزمین و انجام حج بیان می‌فرمایند. در روایتی دیگر در کتاب فروع کافی، جلد ۴، ص ۲۱۴ آمده است که: نوح علیه السلام هنگامی که کشتی اش دچار طوفان سهمگین بود، مراسم حج را به جای آورد.

موسی علیه السلام با هفتاد پیامبر برای حج احرام بست. یونس علیه السلام در آغاز حج «لَيْتِكَ كَشَافِ الْكُوبِ الْعِظَامِ لَيْتِكَ» گفت. عیسی بن مریم علیه السلام حَجَّشَ رَا بَا «لَيْتِكَ يَا ذَا الْمَغَارِجِ لَيْتِكَ» آغاز نمود. داوود علیه السلام وقتی بر بالای کوه، موج جمعیت طواف‌کننده را دید، دست به دعا بلند کرد. سلیمان علیه السلام با حضور انس و جن، مناسک حج را به جا آورد.

### حج، بازار بندگی خداوند

«يُخْرِزُونَ الْأَرْبَاحَ فِي مَتَجَرِّ عِبَادَتِهِ» (خطبه ۱)  
«دعوت شوندهگان حج بیت الحرام... سوده‌های فراوان در این بازار عبادت خداوند به دست می‌آورند.»

امام خمینی رحمته الله علیه: «مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌کند، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود.»<sup>۹</sup>

### حج، بغای بهشت

«جَعَلَهُ اللَّهُ... وَصَلَّةً إِلَى جَنَّتِهِ» (خطبه ۱۹۲)  
«خداوند حج را وسیله‌ای... برای رسیدن (بندگان) به بهشت خویش قرار داد.»

برای وصال و راهیابی به جنت و بهشت، قیمت و بهایی لازم است که حج مقبول به فرموده حضرت، یکی از آنهاست و این جنت، جنت اوست. جنت خاص اوست.

### حج، بهترین وسیله تقرب به خداوند

«إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... وَحَجُّ الْبَيْتِ



وَأَعْتِمَارُهُ».

(خطبه ۱۱۰)

«همانا بهترین وسیله تقرب به خداوند سبحان (ده چیز است؛ از جمله) ... حج و عمره بیت الله الحرام».

در این خطبه حضرت، حج و عمره را از جمله راه‌های ده‌گانه، و بهترین وسیله تقرب به خداوند می‌خوانند. حجی که سرتاسر اعمالش با نیت قربه الی الله برگزار شود به یقین تأثیری این چنین خواهد داشت.

### حج، بی‌توجهی به زیبایی‌های ظاهری

«وَشَوْهُوَا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ».

(خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الله... بر اثر اصلاح نکردن موهای سر، قیافه زیبای خود را زشت گردانیده‌اند».

حجاج بیت الله الحرام پس از طی مسافت‌های طولانی و سخت، در حالی به بیت خدای می‌رسند که موهای سرشان بلند و در اثر این پریشانی مو، قیافه‌هایشان نامرتب است و بی‌توجه به آشفته‌گی ظاهری، به محض رسیدن به خانه محبوب، با همان وضع درهم به زیارت و طواف بیت الله می‌شتابند.

### حج، بی‌توجهی به زیبایی‌های دنیوی

«وَيَزْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ، شُعْتًا غُبْرًا لَهُ».

(خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الحرام... بر پاهای خود هروله می‌کنند در حالی که (بی‌توجه به مظاهر دنیوی) موهایشان آشفته و بدنهای پرگرد و غبار دارند».

در حج، حاجیان زیبایی‌های ظاهری را به دور می‌ریزند و بی‌توجه به مظاهر پوچ دنیوی، جلوه‌های زیبای خدایی را برگزیده‌اند.

حج‌گزاران، این حالت آشفته و غبار گرفته را در طی سفر حج و برای کسب رضای خداوند گرفته و زیبایی‌های شخصی خود را در این راه الهی از دست داده‌اند.

## حج، دعوت برگزیدگان

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا أَجَابُوا إِلَيْهِ دَعْوَتَهُ» (خطبه ۱)

«خداوند از انسان‌ها شنوندگانی را برگزید (تا با انجام حج) سخن او را تصدیق کنند.»

در روایات آمده است که حج در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان که شب قدر است، مقدر می‌شود، و در روایتی آمده است: اینگونه نیست که برخی از مردم تصور می‌کنند که اگر مال داشته باشند می‌توانند به حج بروند، چه بسا ثروت‌مندانی که بیش از مخارج سفر حج مال دارند، اما تا زمانی که خداوند به آنها اجازه ندهد، توفیق حج را به دست نمی‌آورند.

در هر حال، در این بیان حضرت، حج‌گزاران واقعی کسانی هستند که خداوند متعال آنان را برگزیده و دعوت به حج نموده است.

چند گویی کعبه را کاینک به خدمت می‌رسم

چون نخواهندت هنوز از دور خدمت می‌رسان

(نظامی)

## حج، زایل کننده شخصیت‌های کاذب

«قَدْ نَبَذُوا السَّرَائِلَ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ» (خطبه ۱۹۲)

«عاشقان بیت الحرام... لباس‌های خود را که نشانه شخصیت آنها است، درآوردند و پشت سراندازند.»

حج‌گزاران با ورود به احرام، شخصیت‌های دنیوی را پشت سر می‌اندازند و در مقابل، جز خداوند چیزی را نمی‌یابند. شخصیت‌های قومی، شخصیت‌های سیاسی، شخصیت‌های جغرافیایی، شخصیت‌های طبقه‌ای، شخصیت‌های مالی و اقتصادی، شخصیت‌های نظامی و حتی شخصیت‌های علمی که هر کدام با لباس‌های گوناگون و متحد الشكل (یونیفرم) و درجه، نمود برتری و بزرگی و تفاخر هستند، از تن بیرون می‌شوند و لباس یکرنگ و ساده و سفید و بی‌آرایش و هماهنگ برتن پوشیده می‌گردد.





که دیگر هیچ شخصیتی جز تقوا، خریدار ندارد.

### حج، پیروی انبیای الهی

«حَجَّ بَيْنَهُ الْحَرَامَ... وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ... وَوَقَفُوا مَوَاقِفَ أَنْبِيَائِهِ» (خطبه ۱)  
 «دعوت شوندگان به حج بیت الله الحرام، کسانی هستند که... در جایگاه انبیا  
 وقوف می نمایند.»

از آنجا که بنای دین همه پیامبران الهی، بر مبانی توحید و یگانه پرستی بوده است و از آنجا که همه انبیا به کعبه روی آورده و حج گزارده اند و از آنجا که قدوم همه رسولان باری تعالی در این مکان مقدس جایگاهی را ایجاد نموده است، در واقع حج گزار در خانه خدا پای بر جای پای آن بزرگان گزارده و با حرکت در مسیر آنان پیروی انبیای الهی از آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ تا خاتم عَلَيْهِ السَّلَامُ را می نماید.

### حج، جایگاه ترویج علوم دینی

«... فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... فَأَقَّتِ الْمُسْتَفْتَى، وَعَلِمَ الْجَاهِلَ» (نامه ۶۷)  
 «پس حج را برای مردم بپادار... و فتاوی صادره را به پرسش کنندگان ابلاغ کن  
 و نا آگاهان را آموزش بده.»

از جمله منافع بسیار ارزشمند حج، آثار علمی و فرهنگی این فریضه باشکوه الهی است و نقش آن در نشر معارف اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و تفقه در دین در برخی از روایات بیان شده است.

### حج، جهاد ناتوانان

«... وَالْحَجُّ جِهَادٌ كُلُّ ضَعِيفٍ» (حکمت ۱۳۶)  
 «حج جهاد هر ناتوان است.»

به فرمایش حضرت، حج مرتبه ای از جهاد است. همانند رزمایشی است نیرومند و قدرت نمایی بی نظیر. عظمت و وحدت مسلمین را در چشم دشمنان می نمایاند و آنان را پیش از هرگونه توطئه و هجمه، از این خیال شوم و پلید بر حذر می دارد.

### حج، سبب رحمت الهی

«جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ».

(خطبه ۱۹۲)

«خداوند حج را سببی برای رحمت خویش قرار داد.»

از جمله اسباب و عللی که رحمت خداوند را به دنبال دارد، حجّ خانه اوست. فلسفه حج ورود در میهمانی خدای بزرگ و طلب رحمت افزون تر و خروج از معاصی و گناهان و توبه از گذشته اعمال و انتخاب راه و روش صحیح برای آینده است.

### حج و عمره، شستشو دهنده گناهان

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْتِمَارُهُ... وَيَرْحَضَانِ الذَّنْبَ».

(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره بیت الحرام .. شستشو دهنده گناهانند.»

### حج، تصدیق کلام خداوند

«حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَاخْتَارَ مِنْ خَلْقِهِ سُمَاعًا... وَصَدَّقُوا كَلِمَتَهُ».

(خطبه ۱)

«خداوند در میان انسان‌ها، شنوندگانی را برگزید (تا با انجام حج) سخن او را تصدیق نمایند.»

زائران خانه خدا با اجابت دعوت حق، در واقع این کلام خداوند را تصدیق نموده لبیک می‌گویند که فرمود:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»

«ای ابراهیم در میان مردم به حجّ خانه خدا بانگ برآور تا به سوی تو آیند، در حالی که پیاده و سوار بر هر اشتری لاغر، از هر راه دور می‌آیند.»<sup>۱۰</sup>

### حج، عامل تقویت دین

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقْوِيَةً لِلدِّينِ».

(حکمت ۲۴۴ فیض الاسلام)

«خداوند حج را برای تقویت دین واجب گردانید.»

حکمت ۲۴۴، در ترجمه و شرح نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام به صورت



«تَقْوِيَةً لِلدِّينِ» آمده است که به هر صورت با توجه به احادیث و روایات مشابه؛ از جمله این فرمایش حضرت زهرا علیها السلام «الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ»؛ «حج پشتوانه استواری برای تحکیم دین است»، مفهومی مشابه داشته و این فرمایش نه تنها اهمیت حج را می‌رساند بلکه تکلیف عملی مسلمین را در حفظ و تقویت دین از راه حج نیز بیان می‌دارد.<sup>۱۱</sup>

### حج، عامل همبستگی دینی

«فَرَضَ اللَّهُ... وَالْحَجَّ تَقَرُّبَةً لِلدِّينِ».

(حکمت ۲۵۲)

«خداوند حج را وسیله نزدیکی و همبستگی مسلمانان قرار داد.»

حج، تبلور شکوه وحدت اسلامی و تجلی قدرت امت مسلمان و نمایشگاه حضور همدلان و همراهانی است که ناهمگونی «سیما» را با همگونی «سیرت» پیوند می‌زنند، تا شعار اتحاد اسلامی را فراتر از شکل‌ها، رنگ‌ها و معیارهای جغرافیایی و نژادی تحقق بخشند و تعالیم آیین وحدت آفرین اسلام را عرضه نمایند.

### حج، عامل رونق اقتصادی

«وَحَجُّ الْبَيْتِ وَأَعْمَارُهُ، فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ».

(خطبه ۱۱۰)

«حج و عمره خانه خدا.. نابود کننده فقر هستند.»

حج، جدا از تأثیرات معنوی و اخروی، دارای منفعت دنیوی و رونق اقتصادی است و نتیجه آن از میان رفتن فقر در جوامع اسلامی است.

### حج، محل گفتگوی دانشمندان

«... فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ... وَذَاكِرِ الْعَالِمِ».

(نامه ۶۷)

«حج را بپای دار... و با دانشمندان به گفتگو بپرداز.»

بسیاری از دانشمندان از سرزمین‌های دور، در وقت معین حج، در این مکان موعود گرد می‌آیند. توجه به آنان و گفتگوی با علما و در مقیاس وسیع‌تر ایجاد زمینه‌های مباحثه عام دانشمندان و برگزاری جلسات و سمینارهای علمی می‌تواند آثار بسیار

ارزشمندی را برای جوامع اسلامی و نشر و گسترش علوم در سراسر بلاد مسلمان در پی داشته باشد.

### حج و حکومت اسلامی

(نامه ۶۷)

«فَأَقِمْ لِلنَّاسِ الْحَجَّ».

«پس برای مردم حج را بیای دار.»

در این نامه که حضرت آن را در فرمانی به قثم بن عباس، فرماندار مکه نوشته‌اند، لزوم برپایی حج را توسط دستگاه حکومتی بیان کرده‌اند.

### حج و رفع نیاز محتاجان

(نامه ۶۷)

«وَلَا تَحْجُبْنِ ذَا حَاجَةٍ عَن لِقَائِكَ بِهَا».

«و (در حج) هیچ نیازمندی را از دیدار خود محروم مگردان.»

ابو احمد از صحابه خاص امام صادق علیه السلام گوید: با امام صادق علیه السلام مشغول طواف بودم، دستش به دست من بود، مردی پیش آمد و از من حاجتی خواست، اشاره کردم آنجا باش تا فارغ شوم.

فرمود: کیست؟

گفتم: مردی است، از من حاجتی خواست.

فرمود: مسلمان است؟

گفتم: بلی.

فرمود: برو نیازش را برآور.

گفتم: طواف را قطع کنم؟

فرمود: بلی.

گفتم: گرچه واجب باشد؟

فرمود: بلی، گرچه واجب باشد. هر که در پی نیاز مسلمان رفت، خداوند برایش هزار هزار حسنه بنویسد و از او هزار هزار سیئه و گناه بزدايد و برایش هزار هزار درجه بالا



ببرد. ۱۲

### حج، وسیله امتحان مردمان

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ... ابْتِلَاءً عَظِيمًا، وَامْتِحَانًا شَدِيدًا وَاخْتِبَارًا مُبِينًا». (خطبه ۱۹۲)  
 «پس آن را بیت محترم خویش قرار داد... (و حج آن را) آزمونی بزرگ و  
 امتحانی سخت و آزمایشی آشکار.»

حج وسیله امتحان ایمان مردمان از حضرت آدم عليه السلام تا پایان انسان‌ها است؛ امتحانی  
 که به فرموده آن بزرگوار بسیار بزرگ و سخت خواهد بود.  
 و حضرت در این خطبه، سه نوع آزمون الهی را بیان می‌کند.

### حج، وسیله خلوص

«فَجَعَلَهَا بَيْتَهُ الْحَرَامَ... وَتَمْحِصًا بَلِيغًا». (خطبه ۱۹۲)  
 «پس آن را خانه محترم خویش قرار داد (و حج آن را)... برای پاکسازی و  
 خالص شدن.»

زائر بیت الله الحرام با تحمل سختی‌های سفر و طی راه‌های پر مشقت و اقدام به این  
 عبادت الهی، تأثیرات ارزشمندی را در پاکسازی دل، از هر آنچه غیر خداست، به دست  
 می‌آورد و با حجی مقبول بر خلوص دل می‌افزاید و صفای باطن را تحصیل و به ارمغان  
 می‌برد.

### حج، وعده‌گاه آمرزش الهی

«وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ حَجَّ بَيْتِهِ الْحَرَامِ... وَيَتَبَادَرُونَ عِنْدَهُ مَوْعِدَ مَغْفِرَتِهِ». (خطبه ۱)  
 «و خداوند حج خانه محترم خویش را بر شما واجب نمود... (و دعوت  
 شونده‌گان)... به سوی وعده‌گاه آمرزش الهی می‌شتابند.»

به فرمایش حضرت، خانه خدا، وعده‌گاه آمرزش الهی است، و حضرت باری تعالی  
 عفو و آمرزش خود را به حاجیان خانه‌اش وعده فرموده است.

## حج معنوی

«فَجَعَلَهَا بَيْنَهُ الْحَرَامَ... تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْئِدَةِ».  
 (خطبه ۱۹۲)  
 خداوند آن (کعبه) را خانه محترم خویش قرار داد که... انسان‌ها به سوی آن با  
 میوه دل‌ها [عشق] روی می‌آورند.»

حج، سرشار از جلوه‌های معنوی و درس‌های بزرگ عرفانی و نمادهای پرشکوهی از  
 رابطه عاشقانه بنده با معبود خویش است. لذا به فرموده حضرت، عاشقان بیت الله، با این  
 خصوصیت رو سوی خانه دوست می‌نمایند.

سفر کعبه، نمودار ره آخرت است گر چه رمز رهش از صورت دنیا شنوند  
 (خاقانی)

## جِرا

«وَلَقَدْ كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ] يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِرَاءَ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي».  
 (خطبه ۱۹۲)  
 «همانا پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار جِرا می‌گذرانند و تنها من او را  
 مشاهده می‌کردم و کسی جز من او را نمی‌دید.»

جِرا نام غاری است در جبل النور یا کوه جِرا، در فاصله ۶ کیلومتری مکه. این غار  
 خلوتگاه پیامبر ﷺ در سال‌های قبل از بعثت بوده و آیات نخست قرآن در آنجا بر  
 پیامبر ﷺ نازل شده است.

## حفظ اموال کعبه:

وَكَانَ حَلِيَّ الْكَعْبَةِ فِيهَا يَوْمَئِذٍ، فَتَرَكَهُ اللَّهُ عَلَىٰ حَالِهِ... فَأَقْرَهُ حَيْثُ أَقْرَهُ اللَّهُ  
 وَرَسُولُهُ».  
 (حکمت ۲۷۰)

«واما زیورهای کعبه از اموالی بودند که خداوند آن را به حال خود گذاشت تو  
 نیز آن را به حال خود واگذار، همانطور که خداوند و پیامبرش آن را به حال  
 خود گذاشتند.»

در این بیان، حضرت بر حفظ زیورهای کعبه و عدم مصرف آن در امور دیگر تأکید می‌کند. چه بسا با تعمیم آن، حفظ استقلال مالی کعبه و مصرف وجوهات آن را در راه توسعه و گسترش خود حرم و اماکن وابسته به آن بتوان نتیجه گرفت.

### حکومت اسلامی و خانه خدا

«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيتُمْ».

(نامه ۴۷)

«خدا را، خدا را، درباره خانه خدا، که تا زنده هستید آن را خالی نگذارید.»

این بیان قسمتی از وصیت آن حضرت در واپسین لحظات زندگی است به فرزندان که در این نامه، حضرت لزوم اهمیت برپایی هر چه باشکوهتر حج و وظیفه حکومت اسلامی را در تقویت این عبادت مهم الهی، بیان می‌کند، اما با همه تشویق، اگر مردم به حج راغب نگشتند، بر امام مسلمین و حکومت اسلامی است که با اعزام آنان به حج، مخارج سفر آنان را تأمین کند.

### ● پانوشتها:

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۶۶
۲. وافی، ج ۲، کتاب الحج.
۳. آل عمران: ۹۷
۴. مائده: ۹۶
۵. ابراهیم: ۳۶
۶. کافی، ج ۴، ص ۲۵۲
۷. احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۴۰
۸. فصلنامه «میقات حج»، ش ۷
۹. فصلنامه «میقات حج»، شماره ۱
۱۰. حج: ۲۷
۱۱. بحار، ج ۴۳، ص ۱۵۸
۱۲. کافی، ج ۴، ص ۴۱۵

